

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری

سر دبیر: ا. شمس

عنوان تلگرافی

نامه آذربایجان

جای اداره: خیابان تربیت کوچه

پناهی روبروی دبیرستان پرورش

شماره ۲۷ - سال ۱۳۲۰

پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه

وجه آبونمان:

سالانه ۸۰ ریال

ششماهه ۵۰ ریال

(ناشر فکار جمعیت آذربایجان)

قیمت تک شماره در همه جا: ۵۰ دینار بعد از سه روز در اداره بکریال

روزنامه آذربایجان از طرف يك جمعیت و برای رساندن مرام او بجامه آذربایجان منتشر میشود و رویه آن تشریح حال گذشته - تشخیص علل مناسد اجتماعی - بیدار کردن راه چاره عملی برای رفع آنها میباشد

پیام به آقای حسین رازانی

این همان چشمه خورشید جهان افروز است که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

فقرا

در چه حالتند؟

فقرا در چه حالتند؟ پیشه و رات

چگونه کار میکند؟ کسبه چه نوع داد و ستد میکنند؟ بی چیزان و مستمندان و درماندگان و بیچارگان یعنی بیکاران بچه طریق در این سرمای زمستان بسر میبرند؟ در میان جمعی، در بین قوم و ملتی کدام اشخاص موظفند که از حال و وضعیت و گذران همونوع خود باخبر شده در شادی آنان شاد و در غم خواری ایشان شرکت نمایند؟ کدامین مردان

آیا در قانون مدنیت و در پیرامون انسانیت این اقدام بزرگ در ذمه کیست و کدام اشخاص مکلف باین امر مقدس هستند؟ و چه سؤال غریبی و چه پرسش بیجانی! موظفین و مکلفین این امر مقدس از انجام آن شانه خالی کرده و هرگز آه و ناله و سوز و گداز پیره زنان و بیوه زنان و پیر مردان در قالب سخت تر از سنگ ایشان اثری نکرده و نخواهد کرد!

آیا متولین جامعه ما افتخار می کنند بر اینکه وسایل زندگانی و عشرت کامرانی را بدخواه خود تهیه کرده و در این دوره متلاطم به راحتی زیست میکنند؟ خرسند نباشند آنانی که خود را بساحل مراد وهم میهنان شان را در قعر دریای غم غوطه ور می بینند! شادی نکنند. آنهائیکه از خون دل یتیمان و از ثمره زحمت فقیران، و از نتیجه مشقت بیچارگان و بدبختان می بالغ هنگفتی جمع نموده فارغ البال در پیش بخاری خود زندگی میکنند!

البته غافلند و خطا کرده اند و اشتباه نموده اند چه اقتضای بشریت و تمدن این است که هر فردی از افراد بشر همونوع خود را دوست داشته و هواره در آسایش و راحتی او بکوشد و شخصی که تنها اغراض شخصی و نفسانی خود را در نظر گرفته منافع افراد دیگر را در نظر نگیرد بطور حتم از عالم بشریت برکنار بوده حکم حیوانی را دارد. بقیه دارد

مقصود بالاصالة ایشان اعتراض به ترویج زبان مادری بوده است که یکه متعمده نامه آذربایجان بان زبان تخصیص داده شده و چون در اطراف این اصل نتوانسته نظریه صریح خود را اظهار نماید بحکم الفریق متشبهت بکل حشیش ناچار شده که اذهان توده را با ذکر اختلال اوضاع و بکار بردن ایجاد عدم امنیت و صورت مخالف و و مشوب و دامن پاک و بی خود ملوت نمایند که ابد و وجود خارجی نداشته است و همچو خیال میکنم که نویسنده این مقاله آنقدرها از اختلاف السنه کشورهای سویس و باویک و مسافین بی اطلاع نبوده باشند که این اختلاف زبان تا امروز نسبت به اساس ملیت آنها ادنی لطمه و تزلزل وارد نیاورده است و گویا غالباً و عامدا خواسته اند در قبال اینهمه مضیقه های جانسوز و خانمان بر انداز دوره اخیر که هنوز بجزئی ترین شکلی از لطمات آن فراغتی حاصل نکرده اند در اینحال بحران بر جراحات وارده آذربایجان از نو نمک پاشی نموده ایجاد تفرقه بکنند و چون آذربایجانها در ادوار پیشین در نتیجه دورنگی و نفاق خیلی مرارتها دیده و راد مردان خود را از دست داده و از این فصول کاملاً درس عبرت و تجربه یاد گرفته اند. دیگر ممکن نیست با این قبیل حرفهای عوام فریب اغفال و از جای خود تکان بخورند. خوب است اوقات عزیز خود را صرف این کارها نکنید و بیهوده برای خود زحمت ندهید و این نک را بدانید که آذربایجان هرگز قدمی بر خلاف مصالح کشور خود بر نداشته و نمیدارد.

رو این دام بر مرغ دیگر نه که عتقا را بلند است آشیانه اعتماد ناطقی

بجانیها بان تن در داده اند بالمال با ذکر جمله بخدا قسم خواسته اند اثبات نمایند که مردمان بعضی نقاط دیگر از آذر باجانیها بیشتر تحمل مصائب کرده اند (اگر کمی دقت شود معلوم میگردد که تمام این مات بیچاره در این پایه شرکت داشته اند و حتی بعضی نقاط دیگر بخدا قسم از آذربایجانها بیشتر تحمل مصائب کرده اند) ولی مع الاسف از فرط مبرعت آن نقاط بیرند.

اگرچه هم میهنان عزیز از ما زنده رانی و گیلانی و سایرین بنوبه خود ستم گریها دیده و رنج و عذاب کشیده اند ولی اگر انصاف و عدالت خود را حکم قرار بدهند تصدیق خواهند فرمود که مصائب وارده آذربایجان در ظرف مدت بیست سال هزار مرتبه بیشتر از ستم دیدگی سایر استانها و شهرها بوده است و بعد بواسطه پاره نسبتهای خیالی و اتهامات پراز لافها که ذکر عین آنها موجب تطوین است بدون رعایت تناسب یکمرتبه با آقای شبستری مدیر روزنامه ملی آذربایجان حمله نموده و دو اسبه بایشان تاخت آورده اند و در ضمن مردم آذربایجان را تحریک و تهییج مینمایند که شمشیر خودشانرا برخ برادر همکیش وهم آئین خود بکشند و بر علیه اوقیام نمایند و در معنی این دعوت برادر کشی وی کمتر از حق کشیها و اجحافات و توی سربهای دوره منحوس نبوده است و شاید جز این مقصودی نداشته باشند که يك انقلاب نونی در این محیط برپا داشته و آذربایجانها برای اجرای منویات و آمال فاسده اشان بجان هم دیگران زده یکدیگر را بکشند حال چنانکه یک شخص ببطرف درهویت مقاصد سوف و نیات مفسده آمیز شخص نوسنده ادنی تامل و امان نظر کند این حقیقت را در خواهد یافت که اینهمه خورده گریها و نسبتهای نامبرده تماماً مشعر است و

در شماره ۴۸۰۱ جریده کوش مورخ ۲۱ دیماه زیر عنوان غائله آذر- باجانت بقلم آقای حسین رازانی در جامعه آذربایجان نگرانی شدید تولید نموده و در حکم ایجاد غائله تلقی گردید و از مجموع مندرجات مقاله ایشان به طوریکه استنباط میشود این آقای محترم میخواهند با درج یکسلسله جملات زننده و غیر واقع و تخیلات خشک و خالی بین ملت آذربایجان و دولت کتومی ایجاد کیت نموده تنخم عداوت و نفاق را بیاشند و تفرقه بیندازند زیرا شخص نامبرده برای اجراء نیت سوء خود مطلع مقاله و نخستین وهله قلم فرسائی خویش را بدون تمهید مقدمه بنوشتن این جملات (پس از وقایع شهریور همه روزه خبر- های تاسف آور و عجیبی از آذربایجان می شنویم گفته میشود که آذربایجانها از ظلم و ستم عمال دولت سابق رنجها دیده و خسارتهای متحمل گردیده ناراضیتی خود را بصورت مخالفت دولت مرکزی در آورده و اوضاع آن سامان مختل و مغشوش کرده اند و مقررات را رعایت نمی کنند بمامورین اعزامی از مرکز و قومی نمی نهند و حتی با برخی از آنان زد و خورد آغاز کرده اند) اختصاص داده و گناه اولین و آخرین را که بجز تهمت و افتراء و توهین نمی توان معنی نمود - بگردن آذربایجانیان ثابت کرده اند و برای استدلال افکار ابداعیه خود بهت و حیرت عمومی را از آن نتیجه می گیرند که خود من از آن در حیرتم و چنانکه این نویسنده ارجمند نظریه بطرفی داشتند میبایستی قبلاً در اطراف صحت و سقم مسموعات خود تحقیق و پس از حصول اطمینان با دلایل مقننه مبادرت باین امر میکردند و سپس در عین حال اعتراف و اذعان بوجود بیدادگریهای فراوان باین شرح (آذربایجانها راستی حق هم دارند در این مدت مدید ظلم و بیداد - گریهای فراوانی دیده اند) که آذربای-

تبریزی دکتر ارانی ۵۳ کشیدن عبارت رفیق‌لیله پهلوی استبدادین پنجه‌سنه دوشدیکه وقت من هله ایراندا دگلم . دنیاین هریرینه آزادلق یولوندا مبارزه آپارانلار جماعت آراسندا بیوک محبت تاپولار . من ده اولدوقوم دیاردا اونون و رفیق‌لرین استبداد پنجه‌سنه دوشدیکه اوخوموش اورگیمده اونلارین غصه‌سین چکمشم گونلر گیچدی ایرانی اولماق مناسبتیله یولوم ایرانه دوشدی . چوخ آز بیر آزادلق دوره سندن صورنا آزادلق ایستین آدیله زندانه دوشدم !

زنداندا قدغن اولدیقدان بونلارون خواهش‌لری رد اولونور . ظلمدن تنگه گلن زندانیلر خواهش‌لرینون رد اولونماسینه قارشیلوق غذا یمگه قرار ویریرلر . ارتجاع یاخشی بر بهانه تاپور . بیگناه توتدیقی یوزلرجه آدامی بدبخت ایلمه‌نین تام زمانی در زندان جاسوس‌لاری های هوی سالیرو ورون دوتون اعتصابی قورخاق ضیالیچقلرین کومکیله سیندیرلار . آلتی گون آغلارینا برتیکه چورک ذگمه‌مش آداملارا طبی کمک ایدیلر بونلاردان سکز کشینی آیریرلار ، دستبند پابند و رورلار . آجلقدان طاقناری قالماش بو سکز نفری ۳۰۰ عدد شالاق وور- دوقدان صورنا دوباره مجرد سالیرلر بومبارزه‌نین علمداری دکتر ارانی ایدی ارانی نی شالاخلادیقدا صورنا تیکنلگه آتمشولار . شالواری دیزلرینه

دانشمادیمک ویا خود رطوبتلی مجرد کریدور لاریندا چورتمک یولی ایله انتقام آیردی ! . پهلوی زندانی ناحقیره دوتولموش آداملار دولو ایدی . بوبی گناهلارین چوخ آج و سفیل ایدیلر . ارانی منزلیندن گتیریلن ۱۶ قرانی هر هفته بو بیچاره لره تقسیم ایلر - غذا سنی آجلارا داغیدردی . ایوندن گلن میوه لری میوب پولدارلاره ساتیر بوپولی داکومکلرینه علاوه ایلردی . رئیس تشکیلات مختاری یاخشی بیلردیکه ارانی ایرانین حتی دنیاین قیمتلی آدمالاریندن بری در او آزادلق مبارزه سنین ایرانداکی نماینده سی در . قیمتلی و آزادلق سوون بر آدم پهلوی نین ، مختاری نین حتی او وقتلر درجه سی یاور اولان رئیس زندان نیرومندین ان بیوک دشمنیدر نیرومند

تیفوسه مبتلا اولدی . تیفوس بتی اونی برنجه گونده حالسینز ایلدی . زندان مریضخانه سینه آپارولدی . او وقتلر مریضخانه ده اولانلارون شهادتینه گور ارانی له مریضخانه ده دانشماق قدغر ایدی ، اونی مخصوصا معالجه ایلمه دولر ۱۳۱۸ - ۱۴ بهمن شنبه گونی ساعت بییری بیر ربع گیچنده ایرانور چوخ قیمتلی اوغول لارندان دکتر تقی ارانی نی برداحا تاپامانخ اوزر ایتردی . او گون استبداد بیسرف لری سلسله مراتبیه خوشبخت ایدار تویلاری ایدی . یاور نیرومند سرهنک لوق درجه سینه استنطاقدا اگر اعتراف ایلمه سن باجی لارینی فاحشه‌خانه آپاراریخ دین جوانش خصوصی ماشینه نائل اولمشدی گوزلرینون اوتونی آلان آدمندان قورتو- لوشدولار . « گیچه گلن تلگراف » آدلو شعرنده بولداشینا تولومونی یازان شاعر دیر حدود سیز و قورخوسیز بر باشدی او یولداشدی او دشمن لر حنا یاخسون دوستار گیرسور صافلارا (صفرله)

ایراندا زندانه دوشمک دیله آسان گلمسون . رضاشاهون استبدادی و اونون زندانی بشرین تصور ایده - بلیمه جگی بر موضوع دور . من شخصا زندان آدلی بر کتاب حاضر ایلم که اوراداکور دیکم و اشتدیگم فجایی باشار بیلدیگم قدر منوره اتلا تاجم بز هله اوز موضوعمه گلک :

رفیقی داداش تقیزاده یه (داداش بو حسابدا یوخ ایدی) دیر . داداش جواب ویریر (خیر بودا حسابدا و ارایدی) او وقت ارانی یارالارین زوروندان ناله ایلیک متحد اولساخ بونلارین آچیغنی چیقاراریخ دیر .

چوخ دفعه زندانی لره تهدید یولیله دیمشدر . پهلوی نین ، مختاری نین امرلرینی یوزده یوز فائضله یرینه یترن نیرومند هیتلرین ایراندا دوتولموش نوکری ایدی .

من کوز یاشی گوسترمه دن آغلیه جاقسان « گیچه گلن تلگرافلار » بیوک بولداش لرن ایتیرن آزادلق ایستین لر زندانیلر قان آغلیردی . ولی یاخشی بلتیردی که استبداد هیچ بربرده کوک سالابلیمشدر ایراندا بیخه جاقدر ارانی نون تولوستی اسلحه لی ایکی پولسیله قبرستانه آپار دولار . اورادان آناسنه خبر ویردیله که گلون تولوزه صاحب اولون ! آناسی اوغلونون کور کیمی قارالموش تولوسون تانیه ییلده دی ! تیفوسون و نیرومندین غیرتیه قارالمش تولودن پولیس لرده شکه دوشدیلر . زندان اداره سی تلفونیه جواب ویریدی کور کیمی قاراندیفمز آدم دکتر ارانی در اوج ایل مجرد گوشه لرنده ات قورخولی شکتجهری چکن ، وزیرلوق درجه سینه چاتان ، مقامینی مقدس آزاد لوق مبارزه سینه فدا ایلین ، ایران زحمت کشاری نون بیوک طرفداری ارانی نی ایران توده سی بلکه دنیا توده سی هیچ بر وقت یادندان چخارتیه جاقدر . بو سطرلرون صاحبی ارانی نین خاطره سی یاخشی باشارماسادا یاده گتیرمگه افتخار ایار . احمد اسپهانی

قیش اورتاسی ، آخشامین فاران- لغندا موقتی زنداندا ۱ نمرلو مجرد کریدورینه گتیریلدیگم دقت کریدوردا تولو بر هوا اسیردی . من تازه داخل اولدیقم انفرادی اطاقدا فکره دالمشدم بردن محکم و قالین برس کریدوردا سس ویردی . کیمدر ، نه کاره در ، نیه گتیریلر . آیری برس ارانی ایشن اولماسون دیبه جواب ویردی . من فوری آنلادوم که دکتر ارانی ایله بر کریدور دایوخ .

مجرده تازه دوشنلرین احوالی صوروشان ارانی پهلوی نین و اونون قان ایچن آدمالارینین بوتون غیرتلرینه قارشی وقتنی استبداد رژیمی ایله مبارزه تخصیص ایلمشدی . ارانی ده ایله بر قدرت و ارایدی اوغرو ، جانی ، سیاسی خلاصه تانیان تانیان اونا احترام ایلردی . پولیسین اونلا دانشماخ جراتی یوخ ایدی . منطقیله جواب ویرمگی باشارامیان استبداد نماینده لری اونی شالاخلماق

ارانی نی یوخ ایلمه مک ایجاب ایلیردی . بونی نه جور باشار مالی ایدیلر . ارانی مجرد کریدور و اطاق لارینن هاموسینه آپاریلدی . اونون استبداد ضدینه مبارزه سی سونمک بلمین بر الوایدی . کریدورنن ۹ نمرلو اطاقندا ارانی بمکلردن صورنا قوسماقا باشلامشدی . بیلرم نه دن زندان اداره سی ارانی یه سم ویرمکدن واز گیچدی . منتظر ایدم ایلمه ۸۰۰ نفر دن چوخ آدم تولدورن تیفوس موسمی باشلا سین . ارانی زندانون کومکیله

چون بو داهی و فداکار آدامن اولمگی بهمن آیین ۱۴ نده واقع اولوب بو مقاله کرک او گونده نشر اولدی گیچ یتشدبکی ایچون تاخیره دوشدی .

آگهی

نظر بیاره مقتضیات چون شناسنامه مسافرین که بشهرستانها ایاب و ذهاب می نمایند برای شهربانی مورد لزوم است واز طرفی پروانه مسافرت هم داده نمیشود از کلیه مسافرین تقاضا میشود ازاین تاریخ موقع مسافرت برک شناسنامه خود راکه عکس به آن الصاق شده باشد (اتباع بیگانه پروانه اقامت) برای معرفی همراه داشته باشند که موقع ورود و خروج از شهر در پاسگاه های مربوطه بمامورین شهربانی برای شناسا خود ارائه دهند .

آگهی

سرقونسولگری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در شهر تبریز اطلاع میدهد اشخاصی که تبعه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هستند و ساکن شهر تبریز یا اطراف آن میباشند - مجبور هستند الی اول ماه ایول سال ۱۹۴۲ در آن قونسولگری خودشانرا شخصا معرفی نموده واسامی خودرا در دفتر قید بکنند . سرقونسولگری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در شهر تبریز

گوشش روز نامه سینده

یـازان آدمـلره :

ای بیزه جمال دیوب تحقیر ایدن بی معرفت
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
سنده ناموس یوخ شرافت یوخ اوتانماز بیحیا
نانجیب ساتقین کمی وار سوزلرونده مین ریا

گوزلرون کور دور سنون درک ایلمز نور وضیاء
چک گیلان هذیاندان ال یوخدور بوایشده منفعت
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
هرنه جور اولسا بو عالمده آذربایجانلیام
غیرتیم واردور بوتون دنیا بیلیر وجدانلیام
ثابت اولموشدور که من سندن رشیدم قانلیام

هورمه گیت ساکت اوتور ونگیلده مه بی تربیت
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
ای (اولاغدان بیس) شیرین دوغما دلیم واردور منیم
بارلادان تاریخلری گون تک ائلیم وار دور منیم

یئر یوزین پاک ایلین داشقین سیلیم واردور منیم
کیچمیشیندن بیر بیوک محبت یازوب هر بیر لفت
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
چوخ تشکر ایلیرم که مطلبی آچدون اوزون ..

ای شرفسیر بی صداقت چوخ مزخرفدور سوزون
(طالبم حربته) جان ویر اوزان چیخسین گوزون
هر زمان طعن و ملامت ایلیمیشسوز بی جهت

ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
حقی حفظ ایلوب قانه بویانسام دا اگر
عیبی یوخدور آزالوب کیچسین کیجه گلین سحر
یازدیقون تارتان مقاله هیچ کسه ایتمز اثر

ترک ایله بو صحبتی گیت تاپ گلن باشقا صنعت
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
ذاتوه لعنت سنون ابلیسه بنزه ز نا خلف
(خر) دیوب آیا بیزه سیزلر یئدیر تمیردوز علف؟

چیمخیروب ایتمه مذمت ایتمیده ای بی سلف
سن کمی مولایه کافی دور بو قدری منقبت ..
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت
(صفویننن) یکسر اعضاسی دوشو بدور جنبشه

عضی بدتر کیبلرین فکرین یازیددور (کوششه)
دوره مشروطه ده .. امکان ویرو بدور بوایشه
قوی جناب زاده محمد چکنه سالسین خلعت
ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت

ای فاشیزمین بیمروت قان ایچن جاسوسلاری
بیر بیوک سرحدیمیز وار گیت اوخو قاموسلاری
ئول ، چالینسین باشون اوستونده اجل ناقوسلاری
عنقرب ساخالار سیزه چوللرده باقوش تعزیت

ایت کمی یالتاخلانوب ملت ساتان حیوان صفت ۴ بی ریا

معاهده نین مجلس شورای ملی ده
مذاکره ایدیلمه سی حقیقده

نظرینه چاتدیر ساق کفایتدر .
بو آقارار مجلسده نطق ایدوب
معاهده نین ضدینه دانیشدیقلاری
زمان ، بیله شورا جمهوریتینین ایرانه
نسبتا دوستانه و عدالتلی مناسبات
بسله دیگنی انکاره قادر اولمامشلار .
مثال ایچون گوتوراخ آقای نوبختین
نطقینی : آقای نوبخت نطقینه
دیمشدر که :

- ایران ملتی چوخ یاخشی بیلر
که ، اتحاد جماهیر شوروی پیوسته
ایرانه نظر مودت و دوستلوقی اولموشدر
بیر شخصی که بوسوزلری دبسین
وسوزلر ادا شورا وانگلیس دول معظمه
سی ایله ایران حکومتی آراسیندا
عقد اولونان معاهده نین ایران ایچون
ضررلی اولماسین ادعا ایتمک جامعه
لی هم تعجب نندیره بیز و همده شهبیه
سالا بیله ر .

ولواینکه بعضی اشخاص معاهده
نین عقدی باره سینده بیله بیله بی -
اساس فکرلر ابراز ایتمشلر باهمه این
بوتون ایران جماعتی ، بو عهد
نامه نی تصدیق ایتمشدر .

بو معاهده نامه نین عقد اولونماسی
نتیجه سنده ، ایران دولتی شوروی
و انگلیس کمی دول معظمه ایله بیر
سیرادا عدو نوع بشر اولان خونخوار
فاشیست هیتلر حکومتی ضدینه مبارزه
ده شرفلی موقع اخذ ایتمشدر . اشخاصی
که معاهده نین علیه تبلیغات نشر ایدیرلر
یقیندر که جامعه مز اولارین جاسوسانه
فتنه و فساد لرینه اینانمازلار . بوقبیل
اشخاصین یالانچی فریاد و فغانلاری نا
هیچ کیم باور ایتمز . اولارین فریادی
شبهه لی حرکاتی و سه سلری هیچ
کیمین توجهنی اخذ اتمز .

ششگلانی



بیر طرفدن شورا جمهوریتلری
اتفاقی و بریطانیای کمیر و طرف دیگردن
شاهنشاه حکومتی ما بین ینده امضاء
ایدیلیمیش اولان عهدنامه نامه نین لایحه
سی مجلس شوزای ملی ده مذاکره اید-
یلدیگی زمان ایران دولتین دورمین
وعاقل حکومت زمامدارلاری معاهده
نامه نین له ینده نطق ایراد بویورموش
واوینن تصدیق ایدیلمه سینی تبریک
ایتمشلر .

دولت شوروی همیشه غیر ملت
لر بن مستقل و آزاد ترقیه طرف گیتمه-
سی طرفداری اولوب و غیری ملتلرین
استقلالنه حرمت ایتمشدر و بوجهتی
خلق ده تصدیق ایتمشلر

نخست وزیر جناب آقای فروغی
معاهده نامه نین لایحه سینی تقدیم
ایتمشدر که :

ایرانی بقا و استقلالیتی
تزاری روسیه سی دولتین سایه سنده
بزی مایوس ایدن بیر وضعیتده ایدی .
خداوند عالم ایشلری ایله ترتیبه سالدی
که بزیم یاسمز امیده مبدل اولدی .
گر کدر تصدیق ایتمک که شوروی
حکومتین خارجه سیاستی بزیم ایچون
فائده لی اولموشدر .

جمهوریت شوروینین خارجی
سیاستی و بزیم ایله همسایه لیک علاقه
سی دوستانه و مهربانلق اساسلرینه
باغلیدر . بونکته نی اعضای مجلسدن
غیر آقارلاردا نوز نطقلر ینده قید
بویور موشلار .

جای تاسف بوراسیدر که اعضای
مجلسدن برنیچه آقا ؛ اوضاع بین-
المللین بوگونکی اهمیتینی درک اتمیوب
بو عهد نامه نین هراوج دولت ایچون
مفید و ضروری اولدیقنی باشا دوشمه
مشلر در . بو قسمتی عرض ایدرکن
آقای نوبختین و آقای امیر تیمور کلالی
نین مجلسده کی نطقلرین جامعه نین

سپاسگزاری باکمال احترام از آقایان محترم و دوستان گرامی که در مجلس سوگواری بذل تقصد فرموده تشریف آورده و سرافرازمان فرموده اند
بدینوسیله نهایت تشکر را عرض و چنانچه در شرفیابی تاخیر حاصل شود بواسطه گرفتاری و تاملات روحی بوده معذورمان خواهند فرمود .



جهنم اولون سیزه نیراشیر بوئندا مال آلاسون مکر بیلیرسیز که
 بیر توغولیک مال ایگرمی توغون اولور بیغدینیز مال لارون گون بگون
 قیتمی آرتیر.

ایسوعالی اطلعات